

هفته پیش، مجلس شورای اسلامی توسط حال فعالیت خود را آغاز کرد. مجلس، مخصوص ایجاد جمهوری اسلامی ایران است که در تشکیک و تحکیم انقلاب و گسترش آن، بخش عمیق گشادهای برآمده دارد. از اینرو یکی از کارهای اصلی سرنوبت ساز ما طرفداران تشکیک و تعمیق انقلاب و طرفداران خط ساری و تسلیم انقلاب به امپریالیسم است.

مطالعه، دسیسوی مملکتگرد ۲ ساله مجلس نشان می دهد که علیرغم ضروریهای بزرگی که با سرنگونی دولت لبرال بازگان و عزل غنی صدر و درهم نگیستن سرکای آن، مصیبت انقلاب و سروان اصل عطاام شد، خط طرفداری از برابعداری که خط ساری با امپریالیسم است و اکنون لباس "انقلاب خواهی" برین دارد، همچنان بزرگترین مانع در راه مصوب قوانین بنیادی بود محرومان است. همس مطالعه دشواریها و غرنجی های را که انقلاب در راه تصرف با آن روبرو است، نشان می دهد.

اسام خصمنی در پیام مهم حرداد ماه ۵۹، مسأله اصباح اولین دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی خطاب به نمایندگان مجلس حاضر سابقا توجه بودند که:

"اسد آن است که رسیدگی به حال مسضعین و مستندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم ما را در برمی گیرد در اس برنامهها قرار گیرد" و امروده بودند: "بمصنهم تما و دولت مصعب شما با ملت مسضعف که برکت انقلابش همه ما را از انروا خارج نمود چه خواهید کرد."

کارنامه دو ساله مجلس شورای اسلامی نشان می دهد که مجلس در اجرای این رهسود، علیرغم فرمان تاریخی حوردهم مهرماه ۱۳۶۰ اسام خصمنی که بر پایه آن اکثریت مجلس در نسیمی ضرورت و مصوب قوانین ضروری بر پایه عناوس ثانویه دارای اخبار شناخته شد، متاسفانه کارنامه در حشاشی ندارد. راحت است که از ما نزدیک به ۱۵۰ طرح و لایحه های که در فاصله دو سال در مجلس به مصوب رسید، تنها معدودی از آن که کمتر از اگشتان یکصد است، خوانشی بوده است که در شعار اقدامات بنیادی بود مردم محروم می توان بحساب آورد. باره این گونه قوانین سر همواره از سوی اکثریت شورای نگهبان (ذبح شرعی) شده و زیر عنوان عدم انطباق با موازین شرعی بحال تعلق درآمده است که تازه ترین نمونه آن، قانون ملی کردن بازگان خارجی است که از سوی اکثریت

شورای نگهبان در اساسی ترین مصلحت آن مردود اعلام شده است. برای درک دشواریهای مجلس در تصویب طرحها و لوایح بود. نودهای مجلسی رحمتکنان شهروستا. سخنان حجتالاسلام خوئیها. نایب رئیس مجلس که در شمار جمعه آخرین هفته فروردین ماه ۶۱ در قزوین آزاد شد. سار گویات:

پس از شکست دو جریان لبرالسم غریبی و ماضین، جریان سوم که همان طبقه مرفه و صاحبان بروسهای کلان و با مشروع هستند (به میدان آمدند). اینها همان ارگانهای محکم گیری و بویژه مجلس شورای اسلامی اضافه و در برابر فرصتی که جهت ماضین محرومین و طبقه مرفه گرفته می شود، اعتراض کرده و می گویند مجلس در پی تصویب قوانین سوسیالیسم نیست است. باید این جریان را همانند دو جریان دیگر درهم شکست.

اکنون آشکار است که مجلس برای پیاده کردن سخت گیری استقلال طلبانه آزادمنشانه و عدالت خواهانه قانون اساسی با سارزه حادی در درون خود فرگشت است که ادامه و بازتاب سارزه است که در درون جامعه جریان دارد. نامه آیت الله گلپایگانی به مجلس و پاسخ مجلس به آن - استادی که در ایجاد تاریخی دارای اهمیت است - دو خطی را منحص می کند که مرجع هر یک در ایجاد انقلاب بزرگ مردم ایران سرخوش سار است. خط تنبیه و تعصیب انقلاب در راستای عدالت پرستی و مردمی آن که "از حقوق محرومان و ستمدیدگان دفاع می کند" و خط طارش و شکست انقلاب، خطی که بر سر پرچم "اعلام خواهی" دفاع از سرمایه داری برجاسته و عملاً از مبارزگی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان جانبداری می کند.

نامه آیت الله گلپایگانی به مجلس، خط اخیر را اینکه معرفی می کند: ... با ارائه راههای سوسیالیست هستند ... می خواهند با خلاصه شدن بعد سیاسی انقلاب در یک اسرائیلسم امریکا، سوسیالیسم و حامیان آنرا از تعرض محروم دارند و آنان را دلسوز و اخلاقی شان دهند و در نتیجه هر چه نتوانند با او در صف کشورهای وابسته به روسیه قرار دهند با حداقل مرتبط با آنها بزنند.

... اما اینکه مثلاً بزرگان خارجی را در اختیار بگیرند یا امور بهداشتی و آموزشی و تربیتی را دولتی کنند و یا سرمایه عمل و کسب و کشاورزی را در یک سر خاکی منحصر نمایند، مثلاً در بخش تعاونی انتقال ترکه میت را به وارث منوع کنند و با اراضی را بطور متاع به کشاورزان بدهند و بخواهند در امر مسکن بگویند هر کس باید خانه طاق داشته باشد و هر راجع باید مالک زمین باشد و اجازه زمین اشتراک است و زمین ساند. به اینصورت که دیگران را ملزم بخرش نمایند یا بگویند قطعاً بطور ضرورت مسکن و آبگرمه مواردی اصلاً می خواهم مطالعه روی زمین و ابزار تولید ننهد. واسطه نمایند. اینکه این نظامات دیگری است که با احکام اولیه و ثانویه ارتباط ندارد. این مسائل مربوط به شی نظامی است که هم اکنون در برخی کشورهای دنیا بطور حقیقی با مضمونی منقول است.

و این پاسخ مجلس به نامه آیت الله گلپایگانی نیرومندی را که در این خط علیه اعلام دست در کار نوظنه و دشمنی اند چنین توصیف می نماید: "ما ضعیف تا کبده بر پاداری از احکام اسلام و دفاع از حقوق محرومان و ستمدیدگان از سوی مجلس، اعلام می داریم ... لازم می دانیم از جناح سوم سر نام بریم. جناحی که با اعمال خواهی بر روی زمین در حال که جاری مهم برای انقلاب اسلامی به حساب می آید هنوز مانند دو جناح دیگر بمانده نیست. مراد جناحی است که در رژیم سابق بر خوددار از اشتراکات فراوان مادی و اجتماعی بوده است و امروز که به سمت رهبری اسلامی و به ترک خون شهدای اسلام، آن رژیم فرو آمده است. این جناح همچنان در صدد حفظ ماضی و نگاهداری از اسباب قتل است و بزرگترین سگر این جناح، صاحبان اندیشه های هستند که هر چند ممکن است بگویند بدانند مانند ولی به ملت نا آگاهی از وضعیت اجتماعی و اوضاع و احوال جهانی تحت نام الفاتح ظاهر فریب صاحبان ماضی مادی نامشروع برار می گردند. اینان می گویند ما مسلم، با از طریق افراد ساده دل، حتی آدهان بسیاری از بزرگان را نسبت به جمهوری اسلامی و عدالت خواهی اسلام بدین کنند.

اینان مدعی هستند که کار اعلام با واژگونی رژیم جنس و تبدیل وجه سیاسی نظام به پایان رسیده است و نباید دست به ترک و اضمحلال خطی که میراث نوم رژیم پیشین است زد.

به این ترتیب آشکار است که سارزه بر برجست. امروز هر کس کسی بوسند است که احکام یک رشته اقدامات بنادین بود محرومان، حتی با مس عدالت اجتماعی تا چه پایه برای درهم شکستن حبه متحد عدت اعلام سرگردگی امریکا ضرورت حیاتی دارد. همچنین ناگفته پیداست که احکام حسن اقداماتی چگونه با دلگرمی حاجتی نوده های دهها مسول رحمتکنان شهر و روستا که امام آنا ترا صاحبان اصلی انقلاب، می نمایند موجب حکم هر چه بیشتر جمهوری اسلامی ایران را فراهم می آورد و امر دفاع نوده های مسول محرومان را از انقلاب اخذ می نماید و استوار می یابد. آنجا که رئیس جمهوری بدین شی خاظر نشان ماضی است:

یکی از بزرگترین انگیزه های شروع این انقلاب رفع بی عدالتی های رژیم طاغوت و ایجاد عدالت اسلامی در میان طبقات مختلف کشور بود.

آنگار پیداست که پیاده کردن سخت گیری استقلال طلبانه، آزادمنشانه و عدالت خواهانه قانون اساسی، بکار حاد سیاسی و طبقاتی را، با دانه

قرچه گسترده‌تری بدستور روز انقلاب بدل ساخته و می‌سازد. در این
بیتار بدون آنکه از مرنجی‌ها و دسوازی‌های اس سارره درگذریم، فلسه
بر تردیدها و ترلرل‌های اخلاب‌شکانه، شرط ضروری است. و از آن ضروری‌تر
شخصی باعین حسبه‌ها و خط‌ها، انتحاب حسبه و سرود قاطع و سازش
ناید برها مخالفان بهشرف و نکوفاسی جمهوری اسلامی است.

اس تمامی نیست که تحت‌الاسلام رسانحانی در حوسن بالسرور
فالیت مجلس، از اسام خصمی می‌خواهد که برای رفع اسباب موجود
راهگنایی نماید و اظهار می‌دارد:

" برای تعدیل حقوق‌ها و گرفتن مطالب از ظلمه و دادن آن به مظلوم
مبارهای روشنی وجود ندارد و ما در مدت کار مجلس همواره با این
مشکلات مواجه بودیم.

دشمنان خط‌ضداسمرالستی و مردمی اسام خصمی، کارآترس عرب
خود را با همس نازوشی‌ها و شافعات صفل می‌دهند. دشمنی کور با
کورهای حوسالیسی و با سروان اصل حوسالسم علی، که رسا در
جمهوری اسلامی ایران اسامه داده می‌تود، امروز همون حسم اسفندبار،
سن از هررسانی آماج آساید بریست که دشمنان جمهوری اسلامی ایران
آزنا نشانه گرفتند.

دشمنان بحکم و نکوفاسی جمهوری اسلامی ایران، زیر پرچم اعلام
خواهی، با اخلاب ناساز، سبب و اسرا علیه صدی‌ترس سروان خط‌امام
حوسمی سازند و تاج شرف اخلاب می‌نهند. به گنجه بحسب‌ور:

هرگاه که می‌خواهیم به فتح محرومان گام برداریم تک عده می‌گویند
این کموسیزم است.
در حالیکه همانطور که آقای کروی در یکی از جلسات علمی مجلس
خاطر نشان ساخت:

" امریکا طبق عادت همسنگی‌اش در تلاش است هرانقلابی را برچسب
مارکسیستی بزند یا بگوید سلا " کموسیسها با بودمانها در اخلاب نفوذ
کردند. امریکا این موضعگیری را بنابر ماهیت گتف و پلندش در همه
دنیا دانسته است.

مجلس در حوسن سال حیات خود آستنی سارره، حاد سرجوت‌سازی
لب. درست است که سرجوت نهایی این سارره را بودمان‌های سلسوی
مردم رقم می‌زنند لیکن باید از خاطر سرجم که رماحک مردم، رهبران خود
را انتخاب کردند بگان ساررات در دست آنان قرار می‌گردد.

مشولت عظیم اکثریت خاندگان مجلس در عین حقیقت سبب‌ساخت.
اخلاب برای سروری تنها یک راه می‌باشد. سارره متحد و بدون ترلرل
علیه حسبه متحد مداخلات سرگردگی امریکا برای تاسس همه‌طاسه
اسقلال، آزادی و عدالت انسانی.

آزادی فعالیت سیاسی احزاب و سازمانهای مدافع انقلاب همچنان در عمل نادیده گرفته می شود.

وزیر کشور، حجت الاسلام ناطق نوری در گفتگویی با روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۲ خردادماه، در پاسخ به این سوال که آیین نامه های فعالیت احزاب و گروههای سیاسی در چه مرحله است، اظهار داشت:

"قانون احزاب و گروهها را ماهها قبل مجلس تصویب کرد... و ندوین آیین نامه اش را بعهدہ وزارت کشور گذاشتند و وزارت کشور نیز پیش نویس آیین نامه اجرایی را تهیه کرد و تقدیم هیات دولت کرد و طبق معمول و روال عادی هیات دولت هم به کمیسیون دفاع سیاسی، بعد از بحث و بررسی ها مورد تصویب قرار گرفت و تقدیم هیات دولت شد..."

اینک این سوال پیش می آید که چرا تصویب "آیین نامه اجرایی" این همه بطول انجامیده است و در شرایطی که این "آیین نامه" هنوز تصویب نشده است، تکلیف احزاب و سازمانهای سیاسی مدافع انقلاب که آزادی فعالیت آنها در قانون اساسی تصریح شده است ولیکن اکنون در حالت تعلیق بسر می برند، چیست؟ مطابق اظهارات وزیر کشور تا تصویب "آیین نامه اجرایی... اعلامیه ده ماده ای دادستانی انقلاب همچنان سد رسمی ناظر بر فعالیت قانونی احزاب است. وزیر کشور در بخشی از گفتگوی خود در اینباره اظهار داشت:

"این مقررات را دادستانی انقلاب در شرایط انقلاب ندوین کردند و اعلام کردند و قانونی هم بود و هست."

واقعیت نشان می دهد که این گفته وزیر کشور تاکنون در عمل مصداق پیدا کرده است و احزاب و سازمانهایی که آزادی آنها در قانون اساسی تصریح شده و نحوه فعالیت آنها را اعلامیه ده ماده ای دادستانی انقلاب مسدود کرده است بطور غیرقانونی در حالت تعلیق نگه داشته شد و انواع فشارها و تضییقات در مورد آنها اعمال می گردد.

بقامت جمهوری اسلامی ایران تاکنون بارها بر ضرورت اجراء قانون و رعایت حقوق و آزادی های سیاسی مصرحه در قانون اساسی تاکید گردید: امام خمینی رهبر انقلاب با توجه جدی به همین مسایل سال ۱۳۶۹ را سال قانون اعلام کرده بودند و درازدیبهشت ماه همان سال اعلام کردند:

"همه احزاب و گروهها با وقتی با کشور اسلامی جنگ ندارند، در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده اند، بطور آزادانه عمل می کنند و بطور آزادانه حرفهای خودشان را می زنند. حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه

تولیر یونی ۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۰ در همین زمینه اظهار داشت :
" اگر خیال کنیم که با سرکوب حرکت‌های سیاسی می‌توانیم برسیم به آن نقطه مطلوب این نمی‌شود. باید محیط آزاد باشد، باید بتوانند افراد افکارشان را بگویند. باید بتوانند گروه تشکیل بدهند. باید بتوانند گلوب داشته باشند روزنامه داشته باشند، حرفه‌ایشان را بیایند بزنند، اینها باید باشد. در چنین محیطی رشد می‌کند انسان در محیط آزاد اینجوری. آنهایی که تروریسم درست کردند، خواستند این نباشد. دشمنان اصلی خواستند این چیزها را از ما بگیرند و ما نباید در این دام بیافتیم. البته با واقع بینی باید حرکت کنیم.

رئیس مجلس شورای اسلامی اخیراً در مصاحبه با نشریه " پیغام انقلاب " ۲۵ اردیبهشت، بیکار دیگر براهمیت و ضرورت رعایت آزادیهای سیاسی مصرحه در قانون اساسی تاکید کرد و اظهار داشت :
" قانون اساسی کشور را چند حزبی کرده، یعنی فعالیت حزبه‌ها را آزاد اعلام کرده، در مجلس شورای اسلامی هم براساس همان قانون، قانون نوشته‌اند."

یک مقایسه ساده میان این مواضع رهبران جمهوری اسلامی ایران و آنچه تاکنون بعمل آمده است نشان می‌دهد که :

" اطاعت محض از قانون همچنان دسنور روز انقلاب است. "
گرایش که بشکل تنگ‌نگری، انحصارطلبی و خود محوری ظاهر می‌شود، همچنان مانع جدی در راه اجرای قانون و رعایت حقوق و آزادیهای سیاسی مصرحه در قانون اساسی است. این گرایش که بزچم فدایی ستیزی و توده‌ای ستیزی را برافراشته و در پی برافراختن " جهادی مقدس " علیه پشتیبانان صادق و ایثارگر خط ضدامپریالیستی و مردمی امام است. عملاً " جهت اصلی مبارزه مردم ما را که علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا است زیر ضرب می‌گیرد. کوششهایی که اکنون برای پیچیده کردن و هرچه محدودتر کردن " آیین‌نامه اجرایی قانون اجزای " و به تاخیر انداختن تصویب آن صورت می‌گیرد. دقیقاً " از همین گرایش ناشی می‌شود در واقع برخی تلاشها متوجه آن است که از این " آیین نامه " هم حزبه‌ای برای محروم کردن بخش مهمی از نیروهای اصیل انقلابی میهن ما از فعالیت قانونی بسازد.

ما تاکید می‌کنیم که بی محتوا کردن مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مورد حقوق و آزادیهای سیاسی، بهر شکل که باشد جز زبان‌رسانی آشکار به انقلاب نخواهد بود. اتحاد ضروری مردم میهن ما در بیکار علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، که ضامن عمده پیروزی در این نبرد است، بدون تامین و تضمین حق فعالیت قانونی و آزادانه همه نیروهای ضدامپریالیست و مردمی تامین نمی‌شود. سازمان ما که پشتیبان پیگیر خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی است و پایبندی خود را به قانون اساسی بارها اعلام کرده است اکنون تحت فشارها و تضيیقات غیرقانونی و خودسرانه بی‌شماری قرار دارد. ما جدا خواهان پایان دادن به این قانون شکنی‌ها و خودسری‌ها و تامین آزادی فعالیت سازمان در چهارچوب قانون اساسی هستیم.

در برنامه تلویزیونی معرفی وزارتخانه‌ها، چندی پیش نشستی با شرکت معاونین وزارت کار و امور اجتماعی برگزار شد تا چگونگی کارکرد ایسین وزارتخانه و مسئولین آن به آگاهی مردم برسد. این برنامه که می‌بایست در پیچهای بسوی طرح وحل مشکلات عدیده کارگران می‌گشود، نمایش زنده عملکردهای قانون شکنانه و کارگرسیزانه وزارت کار از آب درآمد.

در این جلسه شخص آقای وزیر کار "بدلایل موجه" حضور نیافت و چهار تن از معاونین ایشان در همدستی آشکار مجری برنامه با معاونین وزیر، برنامه‌ای را سرهم بندی کردند که تماما "توجیه گستاخانه قوانین طاغوتی و عملکردهای ضدشورایی وزارت کار و اهانت آشکار به طبقه کارگسر و دستاوردهای انقلابی سه ساله" اخیر آن بود.

آقای معتمد رضایی مسئول نظارت بر روابط کار، در دفاع و توجیه ماده ۳۳ قانون کار گفت: "این ماده به هیچوجه علیه کارگران نیست و چنانچه رونق اقتصادی داشته باشیم بفتح کارگران نیز هست. او مبارزه گسترده و بی‌وقفه کارگران برای لغو ماده ۳۳ را منکر شد و تبلیغ علیه این ماده را "کار گروهکها" دانست؛ آقای معتمد رضایی همچنین در توجیه این ماده متذکر شد که "مزایای اخراج" که طبق این ماده به کارگران اخراجی پرداخت می‌شود برای تامین زندگی آنان در دوره "بیکاری" کافی است!

در ماده ۳۳ قانون کار طاغوت آمده است که "هرگاه قرارداد کار را بین کارگر و کارفرما) برای مدت نامحدود منعقد شده باشد، هر یک از طرفین می‌تواند با ۱۵ روز اخطار کتبی قبلی آنرا فسخ نماید...". روش است که "فسخ قرارداد" همواره یکجانبه (از طرف کارفرما) صورت می‌گیرد و کلمه "فسخ قرارداد" جز پوشش حقوقی برای اخراج بی‌چون و چرای کارگر از جانب کارفرما معنایی ندارد.

ماده ۳۳ قانون کار بمنابۀ یک "قانونی" حاضر و آماده در دست کارفرما علیه حق کار و امنیت شغلی کارگران (که از جمله حقوق مصرحه در قانون اساسی است) عمل می‌کند و حکم زندانم حافظ روابط استمرگانه کارگری کارفرمایی را در قانون کار فعلی دارد. این ماده تنها تعهدی که در مقابل اخراج کارگر برای کارفرما قائل است، پرداخت "مزایای" اخراج (حق سنوات و خسارت اخراج) است که صرفنظر از ناچیز بودن آن، همواره راههای گریز از پرداخت آن نیز برای کارفرما باز است.

اخراجهای خودسرانه و روزافزونی که با استناد ماده ۳۳ در واحدهای تولیدی و خدماتی مختلف صورت گرفته و می‌گیرد چشم انداز تیره سلب نصبت شغلی را پیش روی تکتک کارگران شاغل نیز ترسیم نموده و می‌نماید. قطع نظر از عوارض بحران اقتصادی موجود، انگیزه این اخراجها

عمدتا "اخلال کارفرمایان و مدیران ضدانقلابی در روند تولید، سودجویی و آزمندی کارفرمایان، تنگ نظری‌ها و ندانم کاری‌های برخی از مسئولین جمهوری اسلامی، بی‌اعتنایی غیرموجه به مطالبات عاجل و مبرم صنفی - رفاهی کارگران است. و اینهمه برای ضد انقلاب زمینه مساعدی را فراهم می‌آورد تا با تبلیغات مسموم و تشدید ناراضی‌ها، بزم خود حمایت فعالانه و استوار طبقه کارگر را از انقلاب خدشه‌دار کنند.

کارگران مهین با بارها و بارها خواستار لغو ماده ۳۳ و تدوین و اجرای یک قانون کار مترقی شده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول ۲۸ و ۴۳ خود اساسا "مضمون ماده ۳۳" را مردود می‌شمارد. امسا متاسفانه در برخورد مسئولین کنونی وزارت کار با این معضل اجتماعی، کترین نشانه‌ای از پابندی به قانون اساسی و آماج‌های انقلاب نیست، انقلابی که اصنام خمینسی کارگران را ستون آن دانسته و یک روز عمر کارگر را به همه سرمایه‌داران ترجیح داده‌اند.

گرایش کارگرسیزی وزیر کار و معاونان آن آب به آسیاب ضدانقلاب به سرکردگی امریکای جنایتکار می‌ریزد و عملا "پیشبرد سیاست اخلال در تولید و محیط‌های کارگری است. این سیاست تاکنون ضربات سنگینی به انقلاب وارد آورده است، کارگران که پابندیشان به انقلاب و مصالح آن خدشه‌ناپذیر است خواهان مهار گرایش کارگرسیزی در وزارت کار هستند.

در زاله عشق همدای مردم در سنگر حبه آشنای مردم
 نایبات خلق ما بگل بنشیند صد جان عزیزم همدای مردم
 بر لوح افتخار آفرین شهدای سازمان در جنگ سپیدی علیه تجاوز امریکایی
 مدام، همچنان نام‌های جاودانه دیگری حکمی نمود. از شروع عملیات
 پیروزی آفرین "فتح‌المسن" تا پیروزی بزرگ آزاد سازی شهر خونس،
 خرمشهر، دهها نفر از رفقای ما به شهادت رسیدند که تاکنون فقط نام و
 شرح قهرمانی‌های نزدیک به سی نفر از این حماسه‌سازان بدست ما رسیده
 است.

- ★ رفیق شهید بدالله حاج حبیب (استدباری)
- ★ رفیق شهید یوسف حمزای
- ★ رفیق شهید یوسف گوهرانپور
- ★ رفیق شهید شمس
- ★ رفیق شهید محمد ثابت قدم
- ★ رفیق شهید اردنر کمالی
- ★ رفیق شهید داود بورحسیر
- ★ رفیق شهید رجب مرادپور
- ★ رفیق شهید فرهاد تیروانی
- ★ رفیق شهید عنایت عابدزاده

شهدای قهرمانی از سایر مدائیان (اکثریت) اند که آخرین مطبوعه
 حماسه‌های جنگ شده بر لوح افتخار آفرین شهدای سازمان ما، با نام آنها
 آبدین بسته شده است.

رفیق شهید بدالله حاج حبیب (استدباری)، پس از ۱۶ ماه مبارزه
 قهرمانانه و شوراگیر با متجاوزین صدامی در حبه‌های سرد سپیدی، در
 ساعت ۳ بعد از ظهر ۵ دیوردیس ۶۱ در جریان تشریح‌های اطراف سایت
 ۵ حبه طبقه در عمول بر اثر اصابت ترکش توپ به شهادت رسید و به خیل
 شهدای انقلاب پیوست. او سه روز پیش از شهادتش، در شب فرماندهی،
 نحوه‌ی تحسین آفرین سرجه و سه راه قبه‌خانه را از جنگ مجاورین خارج
 ساخته بود. شهادت او مقدری در میان سربازان و بسیجی‌هایی که تحت
 فرماندهی او می‌رزمیدند، تاثیر گذاشته بود که همه آنها در اندوه از
 دست دادن چنین همروز و فرماندهی، یک شب لب به دعا کردند.
 حونه‌های روبرو حلالی است که همانست. همزمانش در توصیف شخصیت
 مردمی و اخلاسی بدالله سرباز آوردند: او گل گروهان ما بود، او شجاع و
 با ایمان بود، او بهرمان بود، او از انقلاب جانانه دفاع می‌کرد، او به
 حبه، کتاب مبارزه با بیسوادی آورد و به بچه‌هایی که سواد نداشتند،
 خواندن و نوشتن یاد داد. قهرمانی، مداکاری و روحه حمی بدالله و
 متن سترگ او سه راه رهایی رحسکتان و بهرطرف انقلاب خونبارمان،
 فتح الهام همزمان او بود او در آخرین نامه‌ای که به خانواده‌اش
 فرستاده بود، اس حسن نوشته بود:

"منها ترس من او ایست که مرگم در بی‌بند و باری و ولنگاری رخ دهد
 و نه در جهت ساختن زندگی، می‌خواهم ایها بگویم: همانقدر که
 خدمت‌های فرهاد و الهام و مرتاد نادیده‌بخش است و دویس‌ها و
 تبلیط و بلبل‌ریایی بهار و احسان و الهه و مهری، استدبخش، به
 همان اندازه هم رنج‌ها و بدبختی‌های کارگران و رحسکتان دردناک
 و خشم‌انگیز است و انسان مبارز و راستین زنده‌بودش را و مبارزه‌اش
 را در جهت ساختن و جاودانگی اولی و نابودی دومی فراموشی دهد."

در شب هفت رفق بدالله، همه مردم محله بهشتی شهر ری که بدالله
 را می‌شناختند و به او عشق می‌ورزیدند، حضور داشتند و نثار گونده
 مرگ بر امریکایی را که همیشه در دهان بدالله بود، بر دادند. در مراسم
 برگذاشت شهید، سروهای سیخ، احسن اسلامی، تخرای محل و حسینیه
 روزه رفتند و سرود خواندند. این روزه و سرود، حلی اتحادی بود که
 علیرغم همه موانع موجود در سنگرهای مبارزه مردم ما علیه حبه متحد
 ضدانقلاب و در رأس آنها امریکایی حناپگار، ریشه می‌گیرد و ما حون همه
 فرزندان حناپار خلق ما روز می‌نود. خون بدالله، در اسراء رخنه شد.

او اعتقاد خلل نادرست به لزوم تأمین اتحاد بزرگ خلق و ضرورت گریز
ناپذیر وحدت همه هواداران راستین حواله‌سالم ملی و ایقان عظیمی
به لزوم تأمین بوسان بزرگ اتحاد فراگیر بوده خلق را با شعری از
هویتی پس که در آخر کتاب "سپای مردمی حزب" نوشته خود، نشان داده
بود:

"تا از مرگ فوهرریم،
ما همچون برهمن‌های "چه هوا" هر سال درو می‌شویم،
و سال دیگر بر باره می‌روئیم."

رفیق شهید یوسف حرمای، این مرزبند روح و این چهره "آنا برای
کارگران کوره برحانه‌های مارن‌دران که داوطلب جمع‌آوری می‌ها نده بود
تا راه پیشروی رزمندگان برای آزادی مناطق انخلالی گشوده گردد، در روز
۶ مرداد ۶۱ در اوج حماسه‌فرینی به شهادت رسید.
رفیق شهید یوسف گوهراپور که تائیس کسر کوچگانی یادگار سارره او
با رژیم امریکایی شاه است، در جریان عطبات "منخ‌الس" به شهادت
رسید. یوسف با رزم خود نحوه دیگری از سپهر پرستی کمونیستی را به
سایستش گذاشت. او در حماسی به مادرش که خندید "گران اوست،
بی‌پوشید:

ما در جهان امروز کشور ما در وضعیت نفرینی قرار گرفته است. در یک طرف
سپروهای اربخاع سرگردگی امپریالیسم امریکا کشور ما را محاصره ناخت و
مار و حنایه خود فرار داده‌اند. بگردد محرم اقتصادی، روز دیگر
سجایر سیاسی و در پی اش تاسساز و نایب‌پراکسی علیه انقلاب
شکوه‌نندگان، و در طرف دیگر سپروهای انخلالی - مردمی ایران و
جهان، با امروز روز امسکان است. تاریخ راه میانه‌ی برای سرودی
انخلالی نگذاشته است. بنابراین سادرجان از من هرگز نولسم
بدانچه بانی که هرگاه داور برای جنگ با صدامیان و امریکا
می‌خواستند اولین نفر ششم حرا که چه کسی باید جز من و من‌ها.
صدام و صدامیان را وادار به نکست نارد؟ چه کسی باید بیرون شرح
عدالت و آزادی را جر من و ماها که دارد؟ چه کسی باید فرادار
فردای فارغ از تجاوز و قتل و غارت، فردای سادتند. فردایی که
مهدی‌ها و فرزاده‌ها و فرزند کوچکولوها بسواد راحت و آسوده زندگی
کنند، مهیا نارد؟ پس سادرجان بویاید شوقم بانی تا با بسگر من
داوطلب خدمت به انقلاب و مردم رخصکن بیهم در جهیسه‌های
جنگ باشم."

رفیق شهید سعید ثابت قدم، جوانی دیگر از نواب عدم بغانی با
در دفاع بگریه‌نشان از انقلاب و سارره جنگی ناپذیرنشان علیه امریکا و
متحدین داخلی است. او در طول مدتی که در حبسه بود، چهاربار مورد
اصابت ترکش خمپاره فراز گرفته بود و سراجام در شرایطی به شهادت
رسید که طبق دستور بزرگ صالح، می‌بایست اسراحت کند ولی رضی
شهید ثابت قدم که سوخته گسود پریل بیداری نده بود، روز دوم
فروردین ماه عارم خط مقدم شد و بر اثر اصابت ترکش در اوج عداکاری، به
شهادت رسید.

رفیق شهید سعید ثابت عاصه‌راهه که روز ۶ فروردین ۶۱ در حبسه فاسه به
شهادت رسید، در واجسین لحظه حیات گونا، و پرامسازش، ملی نایان
ناپذیر خود را به راه بزرگ بغانی بوده‌های خلق با دیگر نشان داد. او
وصف کرد که تمام دارایی‌هایش را بفروشد و پول آنرا به سارمان بدهد.
دوستان رفیق شهید داود پورنصیر که در نبرد پرامساز و سحر سنگه
چراغ به شهادت رسید، نقل می‌کنند که بوضه داود همیشه این بود که:
در پایان نامه‌هایش "مرگ بر امریکا" را فراموش نکند!

سپس دوسی انخلالی و ایقان استوار نسبت به انقلاب و بوده‌های دهیا
ملیونی رخصکن حاصل برحسته بغانی ثابت که برای همه ما که فروان
راه آنها هستیم آورنده است.

از بغانی شهید ما که حونه‌های انگار با در حفاظت ملی سارسان ما
هستند سیموزیم اسواری در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آنرا، سیموزیم
عداکاری و ایثار در راه خلق را و سیموزیم سلم ناپذیری در برابر دشمنان
خلق را آورنده داریم. آجگاه که آنها سواصت کرده‌اند "مرگ بر امریکا" یا
ساد حرمستان، در حوره‌های سارمانی سیموزیم و در یکوب احرام ما
آنان مثانی تازه سندیم که سواره در راه مردم رخصکن، در راه انقلاب
صدامپریالیستی و مردمی سیمسان علیه سینه متحد صدانخلاب سرگردگی
امرکای حنایگار از سارره مار سیمیم.

یاد نشان گرامسی سساد.

بحران جرانبالواس (فالکلند) . ماهیتی از معادله‌های حاد درون امریکالیسم

ماضی انگلیس و آیرایش بر جرانبالواس . هانگوه که
قابل پیوستگی بود به جوانی سراسری انگلیس و امریکا
احاطه است . امریکالیسم درون انگلیس برای حلوتی . از اعمال
حق عاقله آیرایش بر جوان بالواس اتحاد حکم تفسیر داد .
امریکالیسم امریکا بر جسم گرفت که در جرانبالواس از
مدل هرگونه کفگی به انگلیس خودداری کند . آیرایش با از لحاظ
نظامی و امنیتی محرم گرد و با سیاسی همه جاسه خود از
امریکالیسم انگلیس یک بار دیگر احاطه کرد که هدف از عمل کک
سنا ۱ OAS : جوی سرپاسداری از صاحب امریکالیسم امریکا
در امریکای لاسی است .

" پیمان کک متقابل " در سال ۱۹۶۷ بین ۲۵ کشور آمریکای
لاتین و ایالات متحده در ریودزاسرویا امضا کردید .
بر پایه این قرارداد " حمله مسلحانه توسط هر کشوری علیه هر یک از
کشورهای امریکایی بعنوان حمله علیه دیگر کشورها خواهد بود ."
امریکالیسم امریکا در سال ۱۹۶۲ . زمانیکه گوشه‌هایی برای منوی
کردن کوبای انقلابی صورت می‌گرفت و در سال ۱۹۶۵ . در جرانبالواس
خوش عمومی مردم دومینیک علیه دیکتاتوری خون‌آشام راسته به
امریکالیسم این کشور . به استاد این پیمان . تجاوز خود را به
کوبای انقلابی و شرکت خود را در جرانبالواس دومینیک قانونی
خواند در حالیکه در هیچک از دو مورد یاد شده . هیچ تهدیدی از
خارج متوجه این کشورها نبود و در هر دو مورد خلفای دو کشور
برای نیل به استقلال . آزادی و عدالت . احساسی علیه رژیم‌های
دست‌نشانده قیام کرده بودند .

مداخله نظامی آنگار انگلیس در جرانبالواس . و حکم آنگار آن
با آیرایش بر جوانی ناره‌ای برای امریکالیسم امریکا ساز آورد .
ژنرال هیک وزیر خارجه امریکا اعلام کرد . " حل این نزاع در چهار
حوت پیمان امنیتی مشترک ریودزاسرویا صورت است و به موثر " .
و به این ترتیب روند مناقشه آیرایش و انگلیس . مضمون واقعی این
پیمان با سر برای سوده‌های دهها منسوب امریکای لاسی آنگار
ساحب و مذهب اتحادگرا آیرا که تنها برای پاسداری از ماسخ
امریکالیسم سرگردگی امریکا و حفظ رژیم‌های دست‌نشانده در
کشورهای امریکای لاسی تدویر شده است از پرده بیرون انداخت .

وزیر امور خارجه انگلیس . فرانسیس . مضمون اتحاد فترده
امریکالیسم امریکا و انگلیس را به روشنی بیان کرده است . او گفته
است : " انگلیس می‌تواند اجازه دهد که آیرایش در انحال نظامی
فالکلند موفق شود . زیرا در این صورت ممکن است در دیگر نقاط
عبارت نیل باشد صورت پذیرد و انگلیس بخاطر جلوگیری از تکرار
حس برودادی در دیگر نقاط جهان در بیرون دادن نیروهای نظامی
آیرایش از فالکلند به تلاش خود شدت خواهد بخشید ."

راست است که جرانبالواس . که اقبانوس اطلس و اقبانوس
هد را سکدیکر مرتطبی دارد برای پیمان تجاوزگرا . آنو . کسه
اتحادیه نظامی امریکالیسم جهانی سرگردگی امریکالیسم امریکا
اهم است امریکالیسم و امریکالیسم جهانی با در احاطه دانس این
جرانبالواس خواهد بود بر کشورهای امریکایی و کشورهای آسیایی
سواحل اقبانوس هد اعمال فشار حاد و از امکانات مساعدی برای
جرانبالواس ضد امریکالیسمی خلفای این منطقه برخوردار .

نود.

اسرئالسم انگلیس و آمریکا. همچنین می‌توانند از طرح
ساله فالکلند در بارمان ملل متحد نیز جلوگیری کنند. زیرا توافق
بررسی این ساله در بارمان ملل، هیچ چشم‌انداز مثبتی را برای
اسرئالسمها چید می‌دهد.

اس حراب از قرن شانزدهم در اختیار اسپانیا بود. در ادامه
یونان بلانی سیستم استعماری اسپانیا، حاکمیت بر این حراب در
اوایل قرن نوزدهم در اختیار انگلیس قرار گرفت. از آن زمان بعد
اختلاف و درگیری شکل‌های گاه حاد و زمانی خفیف بین آیزلندین و
انگلیس بر حراب برقرار وجود داشت. تا آنکه در اوایل دهه ۶۰.
اس حراب در شمار برصنهای قرار گرفت که مطابق لیست بارمان
ملل می‌توانست استقلال خود را بدست می‌آوردند. بدسال اس
تصمیم بارمان ملل، دو کشور از ۱۹۶۵ مذاکرات خود را شروع کردند.
اس مذاکرات ۱۵ سال طول کشید تا آنکه به اس سخته رسیدند که
دو کشور مشرکاً از منابع معدنی و طبیعی آن استفاده کنند و
حاکمیت سیاسی آیزلندین بر آن حراب برصیت شایسته بود. اما
انگلیس در آن زمان بر منابع مذاکرات بنسها رد و اکنون نیز شک
می‌داند که طرح مجدد اس ساله در بارمان ملل نتایج حلام‌آسطاز
وی‌بار خواهد آورد.

حراب فالکلند، بررسی را که اسرئالسم جهانی تا آن روز
است آغاز می‌سازد و نشان می‌دهد که جهان اسرئالسم باصاها
حادی در درون خود دست به گریبان است که بود برومانی آسرا
برعت می‌بخشد.

اثرات جنگ تحاورگاران رژیم صدام در جامعه عراق

در اواخر ماه شهریور ۱۹۸۱ گسسته مرکزی حزب کمونیست عراق احتیاج مادی و کامل جوش را تشکیل داد. در این احتیاج هیئت سیاسی دربار و طبایف حزب در شرایطی که رژیم دیکتاتوری صدام، جنگی تحاورگانه را علیه ایران همسایه برپا کرده است صورت نداشت. آنچه را که در رژیم می خوانید خلاصه ای از گزارش مصوب پلنوم گسسته مرکزی حزب، درباره نتایج و اثرات جنگ تحمیلی در عراق است. که ماهیت ضد مردمی جنگ تحاورگانه رژیم صدام را اثبات می کند و نشان می دهد که این جنگ تحاورگانه تا چه پایه علیه حلفای ایران و عراق و در خدمت منافع امپریالیسم و صهیونیسم است.

حزب کمونیست عراق، که رومنده ترین سازمان سیاسی در سائره علیه رژیم ضد مردمی صدام است، جنگ تحاورگانه رژیم صدام را جوش ضد ملی رژیم صدام به امپریالیسم می شناسد. از اغیلات و دفاع فادلان مردم تا بسیجی می کند و خواهان پایان بخشیدن به این فحاشی و جنساک و عقب کشیدن نیروهای عراقی به مواج قبل از شروع جنگ و حل اغیلات از طریق مسالمت آسری می باشد.



عسرای در طول تاریخ عدسندن هرگز چنین کارزار و ویرانی بزرگ و همدستانه و رندانه ای را بخود ندیده است. این جنگ در شدید - نکست و باودی کل سیاست حکومت ضد خلقی، نقش زیادی ایفا کرده و همه جوانب سربس موجود را عمق برد و مسابلی بیش آورد که این بحران را بیشتر عمیق می کند. بطوری که این وضع دشوار به همه صحنه ها سرایت کرده و همه جوانب زندگی اجتماعی را در بر گرفته است.

رئاسهای انسانی

از رخی نظامی بزرگترین زبان و از همه دردناکتر زبان بزرگ انسانی وارده بر سران و افسران و درجه داران است. که عارت از دهها هزار گسسته و رخی و مطول و هزاران اسیر و قربانیان بسیار آنها می باشد. موضوع به همین جا محدود نمی شود. سیاست سرکوب و جنسانه به همه صحنه های جنگ سر گسترش یافته و اکنون میدان های جنگ بسراز صحنه های بسیار نظامی است که به "تربس" یا "نوطه جنبی" یا "فرار" یا "تصور در انجام و طبعه" منتهی بودماند. این نیت ها علاوه بر آنکه نتایج است که ارتش احاراً به این قضای کشیده شده و نظامیان به فادلان بودن این جنگ باور ندارند. در عین

حال بنانه هراس با حرا و جوانان این جنگ نیز می باشد. در نتیجه این جنگ خانواده های که با آذربایجان را از دست دادند با فقر و بدبختی خارج از حدی روبرو شدند. در آن مدت سیاست قهر و سرکوت چنان چهره خونینی خود گرفت که پیش از این هرگز نظیر نداشته است. شماره قربانیان این قهر و سرکوت در چهارده ماه گذشته عبارت بود از هزاران نفر از هوطنان غیر نظامی و نظامی که از جنگ ناراضی بودند و با آنچنان که مطلوب صدام و داروستانش است. فعال بودند.

ریداسیا و بازداشتگاهها از هراسان همسین پر شده اند و روح اعدام و کشتار در زیر شکنجه. تعداد مرگانی از بین مرگان را در برزخه ورن و جهادستان نسیز از دستگیری و کتیب در این سینه

زبان هفتک سلجوقی

بر کسی نبوده است که ارتش عراق قبل از جنگ در سطح نیروی انسانی و تجهیزاتی عرب قرار داشت. ساهی که می بایست در سنگسرها با ناوایران اسرائیل قرار می داشت شامل چنان جازاتی شده که نیروی انسانی و موشن را از دست داده است. حکمرانان بغداد برای حیران بخشی از رسانیهای عظیم ارتش به هر دری می روند. همین دلیل است که علاوه بر قراردادهای بزرگ خرید سلاح از فرانسه. قراردادهای هفتگی با ایالتا. آلمان غربی. اسپانیا و جریلی سفید شده است.

ساله روشنی است که توانایی دیگران به حدی رسیده است که تصور شود می تواند در مقابل حملات گتانی هوایی که با کلاه های هوایی دریایی و اردوگاه های نظامی و مکانهای مهم و انبارهای آذوقه و موحب را در برابر عراق نابود می کند. واکنش نشان دهد. مشورتها و تدابیر ایجاد شده از سوی دیکتاتور برای ایجاد راه اندازی اتحادیه های ارجحان برای ناسی همکاری های دور دست در ساله اردو و طرح برای هواپیماها و کتیب های جنگی اش. هیچ فایده ای نداشت نیروهای دریایی و با کلاه و سایر مرای در سطح کلاه نابود شدند و ایرانی ها توانستند با محاصره کامل نظامی و بحاری مانع صورت (عراق) از طرح گردند.

زبانهای اقتصادی

در صحنه اقتصادی، ناسیبت نختی دچار ویرانی وسیعی شده اند و این علاوه بر نابود کردن کامل دوستان اصلی صدور نفت. "بکر" و حواقیقه است.

مدن سب. در آمد عراق از طریق عدم شمار کاهش نامناسب. مصطوف. ویرانی. همه کارخانجات و موسسات مهم اقتصادی را در بر گرفته است که عبارتند از: صنعت نساجی و صنعت آهن و فولاد در حمزه و صنعت صنعتی دیاله و صنعت تراکین و تانکر سازی در انکدره و منطقه انبارهای بزرگ در طار و نیروگاه های اصلی تولید برق در ناصریه بغداد و حمزه و دوکان و کارخانجات کوره نساجی در حمزه و کرکوکو کارخانجات نگر در سلیمانیه و موصل. و غیر از اینها کارگاهها و کارخانهها و موسسات اقتصادی برابر عراق. مدنی شکل همه موسسات مهم اقتصادی که در دست گردان در مدت دو برانه بزرگ پنج ساله با صرف ده هزار میلیون دلار صورت گرفت. بسیاری از موسسات و کارخانه های که در مدت دهها سال با سرب و برودت دست شده بودند. دچار ویرانی وسیع و رسانیهای شکنجی گردید.

نابودی باندهای صمصی

به این ترتیب این جنگ سبکانه سب ویرانیهای صمصی و حراسی مانی و ایمن رشد اقتصادی - اجتماعی گردید که شب تا شبایی مال برای آن مبارزه کرد و سرو و جول بسیاری را صرف ایجاد و تصرف آنها کرده است. چیزی که اتحاد این جانب را جد برابر می کند. خصوصا آن است که سروی بود کور. در صحنه های تولید مادی صمصی و کشاورزی به حدت (مطروحات جنگ) فراخوانده شده است. این در کنار آواره کردن هزاران نفر از هوطنان به ایران و آواره کردن نصف هراس خانواده از کودکان و بل کار و زندگیا. سب کاهش سروی کار و توقف جوت ملی و قطع شدن وسیع انواع موسسات تولیدی و خدماتی و اداری و آموزشی شده است.

کیبای های انحصاری از این فرصت سود می برند.

به سب این ویرانی همه خانه که در صحنه جنگ. همه دستگاهها و موسسات اقتصادی را در سبب می گردند. شرکتیهای برنامه داری انحصاری حیدرلیسی همگونی که بر اثر برنامه فزونی از آن نام می برند. به "استفاده از این فرصت آماده محصور برود برای ساکنان بوی آورده اند. قراردادهای وسیع و بزرگی خصوصا در سال ۱۹۸۱ با حکمرانان بغداد سفید شد. که انهم سب می بود که ساس

و برای چند سال آینده هراس را بر این حدت شکنش می قرار گیرد و صدماتی اقتصادی عراق عمیقتر و وسیع تر شده و سبب سبب اقتصاد برنامه داری حصابی (اسرائیل) وابسته شود.

فلسفه بیشتر نبود بخش خصوصی

تا این دگر است که روشی حکومت در برعهه سبب اقتصادی شامل به مراعاتی کردن کامل جاده های صنعتها و برنامه های اقتصادی و هدف داری تریب مراوان مردم. بوده است. طرح و صرح همصحنه های اقتصاد و ادارات اقتصادی را در بر گرفته است.

همچنین در مدت جنگ هیچ بخش خصوصی فلسفی بیشتری نداشت. این امر با عمل کردن خاوسهای کشاورزی. و گارگتشی و کتک کردن به مجموعه حوابی ها صورت گرفت بزرگترین شرکت بحثی دولتی (شرکت عمومی قاطعه) منحل و آلات و گارگاههای به بخش خصوصی فروخته شد. اسکانه های گزاه ماشین های کشاورزی منحل گردید و انحلال بسیاری دیگر از موسسات دولتی در دستور رژیم صدام قرار گرفت. در کنار این. با کتیبای خصوصی: کشاورزی. صنعتی. رمنس و بانک بازرگانی (راعیه بی) به دادن وام و فرصت های بیشتری به برنامه داریان شیر و ده برداختند و مالکان و زمینداران روزی توانستند هزاران ماسی درو. حب و طاسر آلات کشاورزی دست بیاورند. همچنین. چندین پروژه کشاورزی و بروره دامداری تحت اختیار بخش خصوصی قرار گرفتند و فرصت های بیشتری در برعهه کشاورزی و صنعت. علاوه بر فعالیت در برعهه تجارت و قاطعه کاری و باجوازی. برای بخش خصوصی ایجاد شده که مثلا وجود نداشتند. در این مدت. بسیاری از عواس که سبب که فعالیتهای استثمار گزاه بخش خصوصی را محدود می کرد و با به جمع رحمتگان و زحمتران وضع شده بود. از فصل جاون کار. با سبب اساسی لغو و با دستگیری و تحریف شدند. در نتیجه. در هنگام وجود جنگ. بانکها برنامه داران و قاطعه کاران و مالکان بزرگ و روزی کشاورزی سبب شنب کتیب و توانایی و خود روزی روزی بزرگات امرانی نام. در حال با سبب طعه کارگر و گروه های زمینگان و دهقانان فقر حسرت شد و به حاربت از ده به حیر. آهنگ طرح تری خود گرفت. همه ایسا برنامه طعه حزب حاکم که م. کتیب مالکت عمومی در حدت بشرف حواسلیرم کار ساختند احام گرفتند. حومر ططانی این سبب در صحنه فلسفی در برعهه سبب اقتصادی - اجتماعی. به داری بود که به حیر رشد و تنسب. رابط برنامه داری در شیر و ده و کتیب بانکهای روزی بزرگات و حواس و حدت به مانع مالکان و تمام گروه های روزی روزی. رسا. قدم سبب دارد.

فرجه بولی و مالی

هر نتیجه از دست رفتن وسیع داراییها به سبب جنگ و کاهش شدید درآمد صمص. دارو دست حکمران چنان سیاست و روشی را اجرا می کند که کتیب را با حیران و بیست مالی و هفتتانی روبرو کرده است. خرجهای گزاه جنگ سبب از دست رفتن طرح پشتوانه اداری و طای عراق می خورد. در ایام وام اخیر ۱۲ میلیاردی از خودی و طرح و پروژه جدید ۷ وام ۷ میلیاردی نشان داده بودی اساسی وضع مالی عراق و اسطافروشی سیاسی و طاعفدن بیشتر در آغوش ارتجاع است. بی گمان این وضع باعث تنگدستی بیشتر افراد کم درآمد و نابودی دستاوردهای مبارزه طولانی زمینگان می شود.

زندگی روزانه سخت تر می شود.

حکومت دارو دست دیکتاتور. برای حکومت کردن به ارتباط عمومی و نیروی پول مکی است در صحنه جنگ شوه بسیار تندتیبی به خود گرفته و محدودی خلق و درآمد کتیب را تحت کنترل گرفته اند گتیبان مانند نداشته است. با این هدف که ناراضی مردم را کم کند یا آنها را به سبب مانع ترین شیوای وادار به تسلیم و سگت نمایند. خانواده های فقیر کارگران. دهقانان. کاسکاران و کارندان حرا و همه میهنانی که درآمد شخصی و دستسزد صمصی دارند. با گزانی می نمود و کتیب اداناسی فرور زندگی دست به گزاشند و از آن رنج می برند.

دست یادی از جنگ گذشته بود که بسیاری از انواع مواد غذایی ماسد آرد. روغن. گوشت و تخم مرغ. ماهی. برنج. رب. طابون و ناسد. مصالح ساخسای و مواد بهداشتی و ... الخ در بازار نایاب شد. قنطیور حصبی دشواری جدی جنگ. مساله قطع بری خصوصا ... در محلات فقیرتیبی و مساکینان و بانوایها و سایر موسسات تولیدی و خدماتی بود. این فصل حواب گزانی و اعزایش مشکلات زندگی خصوصا در گردان و بسیاری اسبابا و شهر و روسای برابر عراق. سبب متنگسرتنده است. در کنار این فقری که نوده های مردم زمینگتیبی اکثر هم صمصان از آن می مانند. دارو دست حکمران با کتیب دستن. پول فراوانی را برای کم کردن عقم و ناراضی مردم و قرب دادن

حسینی از هوطنان صدر می دهد. همراه با این وضع دستور. اعلام صادر و تیره حواری و غارت مردم و تروپ اندوزی بی شرمانه و باری کردن با زوری و حق زندگی مردم اغراض یافته است.

تخریب زندگی اجتماعی

آثار سوگاری در همه جای کشور وجود دارد و هزاران خانواده به سبب از دست دادن کس و کارشان در غم و اندوه فروخته اند و هزاران زن در سراسر عراق ساهوشند. همچنین بسیاری خانواده ها چیزی از تربیت فرزندانشان نمی دانند. تنهاره خانواده های که چند پسرانشان با بر حسب "خوس و یا" حاشی" باز می گردند روزها زاریش است. این نشان آن است که این افراد خاطر سوگاری از جنگ ناروا قربانی شده اند. در حالیکه ملت این وقایع جانسوز و گسترش حدود آن. وضعیت گمشدگان و بیوزمان و بیخانان چنان بحران و ناراحتی اجتماعی بوجود آورده که دل ملیونها نگران هم میمانند و ناراحتی داشته اند. در مقابل. داروخته حاکم برپا داشته پلیدش برای ملاحظه کردن با مردم برای خریدن اندوه هوطنان به "شوه" دادن پول متوسل شده و مگر می کند با این شوه کشف می تواند از نعمت بوده های مردم نسبت به روش حاکمانانش کم کند.

از همه این مشکلات وحشتناکتر این است که خدای بس نجه و سنی را چنان عمق کرده که ناگون عراق طغریش را محمود ندیده و به همان ترسند خدای می مریب و گرد و افلت های ملی را بیشتر کرده است. سات سرکوب گانه گسترش یافته و بدین سبب هزاران هوطنی مصور به ترک عقیده و پرام خویش گسسته و محسورند مانند که وارد معصوم حرب حاکم گردند. آزادی و حقوق هم مینان زیر پا گذاشته می شود. با حسب نظر گسترش روابط حادثاتی و امگاسی. هم مینان شدیدا تحت مراقبت قرار می گیرند. روحه مینان زدن و محاسنی و فرصت طلبی و دوسپه رپی در سبب حسنی از هوطنان. رنده یافته و داخل موران و مینان و کارگران و دهقانان و گروه های مختلف هم مینان احاز می شود که احاز" وارد دستگاه "ام" شوند. حیرموراران و وانگان حکومت سطرطری که شده مسلح می شوند. مسلح کردن مشرعهما و روانی فاسیل و مفودالهای پیشین سوحنای از این شوه سداسنی است. جوانان صاد و بدترشی و آچاره دادن به حواری به مایوس مردم اغراض یافته و کار مینان دولت مثل از راه ابرام برق بسی و زبوه حواری و طبع می آیداره شده اند. رواج علاقه سبب به رژیم پادشاهی مدهون شده. آساده داده می شود و از آن ساشی می کند و با احترام از "توری نمده" و سایر بزرگان اسمار نام سبرده می شود. برای به احسار گرفتن خانه و تروپ دهها هزار نفری که از کشور اخراج شده اند و با برای کار و تحصیل از کشور فریاده. قانون وضع می کنند. شخصتی مصلحت را با روز محله کرده و مردمش را سیرون می بریزد. کنترل پلیسی را برحاجها و مشلمای کار. تحصیل و مواصلاط. نه بدتر می کنند و مواظط و مواج حسنی برای رفت و آمد و مسافرت هم مینان وضع می کنند.

گسترش ترس و هراس و وحشت. باعث می رفتن مظاهر زندگی اجتماعی می شود.

این تحریب وسیع زندگی جامعه چنان وحشتناک بوجود آورده که هم مینان از زندگی خود و خانواده شان و کارشان و ناوستان مطمئن نباشند و مایونیا هوطنی تریف در سایه ظلم و درندگی زندگی کنند. همسطور جانفوکشان و جاننگاران و حیران مطروپه دین اصناع را جمع کرده و به آنها مرات و اختیارات واگذار می کنند و به جان هم مینان می اندازند تا به میل خود آنها را آزار دهند و بکشند و به تریف و ناوستان تجاوز کنند می آنگه محاربت شوند. در نتیجه این اوضاع و احوال به سبب جنگ و دینواری های بزرگ اجتماعی آن. مشکلات زیادی در سبب هم هوطنان پدیدار شده و وسعت یافته است. اکنون همه ملت ما در تگرایی و برپتشی زندگی می کنند. این سایل هزاران همسطور خصوصا رونهنگسراپ و شخصسین را وادار به ترک کشور. سوی مرعای که سواد در آن زندگی کنند. کرده است. اما از سوی دیگر همس سایل ساعت بزاری و مغرت سلوسیا خرا از بوده های مردم نسبت به رژیم صدام شده است.

احاطاط علم و فرهنگ

آموزش کشور در همه سداسنیهای علم و ادب و هنر و آموزش و نوسندگی و روزنامه نگاری و اطلاعات در خارجا ناچودوسی خطی و عسافسادگی شده که مثل از این هرگز خود ندیده بود. هزاران نفر از بهترین اسادان و برگزیدگان و برگگان و میندشان و روزنامه نگاران و نویسندگان و برگزیدگان ادب و هنر. همسطور و از کار برگگان شده اند. همچنین هزاران خرا از رونهنگسراپ مورد سرکوب و آزار و کشتار و تعسف قرار گرفته اند و هزاران نفر هم محسور به برگ کشور شده اند. در نتیجه اصرا بر ادامه بروسه حسنی کردن جامعه و با سوی از ایدئولوژی پیش حاکم اندیشه های ملی سوزناهی کینه

برسایه بر همه سداسنیهای علم و رونهنگری تحصیل شده و اعصاب نپونسوزی و نژاد برسایه و طاعفنگری تندیده شده اند. همسطور ایدئولوژی دینسی با کونسم و اندیشه های سوسالیسم علمی و اتحاد توری. صبره و حشانه بی نظری خود گرفته است. دار و دسه محبت فلسفی حاکم بر عراق ناسب گردید که در بدترین و جاننگارترین مفاهر جناح راست روها در دینسی با کونسم و دوگرایی و تیره های تفرقی هستند و از نظر نظری و عملی نعت تاثیر فاشم هستند. از طریق این اعمال. افکار و اندیشه های ارضامی و باس برپا و حیوانیتی ایدئالیستی و کینه و بوسده وسیعاً پختی شده اند. روزنامه نگاری عراق نیز خصوصا در طول این دیکتاتوری و زمان جنگ. هرگز به این پایه می آرزوش و بوج سوده است. به سه شیوه دستگاه های ارتباط جمعی به نحس دیکتاتوری و حمارداری و تشوین تجاوز و خونریزی و اتانیه افکار نژاد پرستی و اندیشه های کینه برسایه. عقیده مانده به جای فرهنگ حور و آزاد دینسی. می بردازند. وسایل سلطانی برای منطقی شدن با روش و رفتار و ادب سیاسی دیکتاتور. مردم ایران را به یاد نامز می گردید که این نیز نسخه سوسوم و افکار حقیقتاً "نژاد برسایه" است. در پناه این روش و سیاست. همه چیزهای فلفطو عقیده مانده در بروسه و تصور و ذهن مردم. رواج یافته است. همچنین همه افکار و گرانبات فومی و فاشیستی تاریخی حزب عمه عقلی. همرا با شروع جنگ دیندهای ملیه کونسم و ملیه همه افکار انسانی. سرفی و اخلاقی. احیا شده اند. این سات نوم در میدان رونهنگری و آموزشی. آبروگاسی و مدارسی را به تراکز پلیسی تبدیل کرده تا دانشموران و مصلان را به بربرود آوردن در مقابل ایدئولوژی و برنامه حرب حاکم وادار کند. اعمال جس ساشیهای فاشیستی. حیران مگری و روحی معنی راسب شده است که علم و فرهنگ را در عرض تخریب قرار می دهد. اسبم حرم دیگری از سبب حیرهای این حکومت و حلقهای از حیران عمومی معنی کور است.

مشکلات کشور و گسترش مایزه برای سرکوبی دیکتاتوری

حیران کور صبره حسنی خود گرفته و همه سداسنیهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و مالی را دربر گرفته و تاثیر حسنی بر همه حوابع زندگی مردم گذاشته است. امروختن این جنگ نیز بیشتر از حیران را تشدید کرد و چنان آترو عمق کرد که همه جوانان و مظاهر جامعه را دربرگیرد. رژیم سواست هدنی را که از نسخه جنگ اسطر دانت بدست ساوزد و سروری های سرفی که انتظار دانت بدت شاد. از پیش از محله کردن افتاد و محسور شد از شبها و مناطقی که برای تحسیرتای می گویند. بازگردد و عقب نشینی کند. این محسرات در حیران جنگ. سبب گشسیرتای نسراره سروهای عراق و حصف روحیه و برسی آنها. شد. مظاهر عصان و سرفسینی پدیدار شده و احسای باطنی از این جنگ در میان اینستیان بوجود آمده است. اسبم در این شخصی می شود که موارد قرار از ایش که هزاران سرباز و در حصار و امسرو حینی گتمسی را دربر گرفته اغراض می یابد و موارد برتشی به جدت

احاطاط حسنی می شود. همسبب علامت تسلیم شدن در هر مکان و عرضی که برایشان دست داده بیشتر شده و این از هزاران سرفی که هرگز بر تعدادشان افزوده می شود. پیداست. ناراضی به جدی رسیده که عدای از نگاه انسانهای آدوده و دغیره و مردوگامها و پادگاسیا را سرفسیر کرده و آزار و وسایل خطای را حراب می کنند. از سوی دیگر خراسی وسیع اقتصادی تاثیر بد و مستطینی بر بروسه تکوماسی و رشد اقتصادی اصنامی برحای گذار و ایجاد برنامه های اقتصادی و ناسی بوده برای این روند با اشکال مواجه می شود. خصوصا ایگ پولی که اکنون موجود است در درجه نخست برای حرب اطمینان و محرکت در آوردن ناسی جنگی و تحسیر ناسیبات حسنی و موانع اناسی که در نتیجه جنگ ویران شده اند. بکار می رود. می توان اسبم ساحت اقتصادی را تابع ملاحظه جنگ می کند و به این معنی است که بخشهای اناسی تولید به مراضی سبرده می شود و احسای این محسبیا اسطام خواهد شد. ایسب مشکلات وسیع که کشور بدان دچار شده برگزیدگی های حکومت افزوده و آرا متروپ کرده است. در گنا این. همه تیره های سینی در حبه مخالف قرار گرفته و جد حبه و اتحاد سینی تشکیل شده و اشکال مایزه وسعت نامه است همسبب انزوای رژیم در حسنی آرای حسنی ملی حرب و همه سروهای سرفی جهان سیر شده است.

ناراضی در صفوف حرب حاکم

همراه با اصرا دارو. سه حاکم سربکوب و خود ای و اذامه جنگ. ناراضی در صفوف حرب حاکم. حسی که سبکلاش به تراکز پلیسی تبدیل شده. امر این باعث و مظاهر عصان و برسی و لبر در میان اگر گادریهای خطای و سطرطاسی سبب است و سرکوب حوسس به شومای و همسایه آنان را هم سایل می نمود. و این در

حالی است که افراد دیگری از اس حرب برای در دست کردن شکلات
محمی مخالف، سیدسی می‌کند. رژیم می‌خواهد سلاب از
بحرانی که به سبب جنگ سیدسی شده، حاکم باشد.

رشد مبارزه در کردستان عراق

در همه واحی مختلف کردستان و شمال کشور، دشمنان مسلح
بسیارگهای عمومی عرب و کرد و اقلیهای ملی همراه عراق
مسلح سایر احزاب و نیروهای سببی درون جنبه سببی دموکراتیک
و نیروهای دیگر در صحنه مبارزه حضور دارند. صدها و هزاران
بسیارگه با روحه مبارزاتی نیرومندی در همه واحی کردستان و در
همه نقاط سراسر مطبات دلبرای غلته رژیم صدام احساس
می‌دهند. وارد شهرها و محله‌ها می‌شوند و با ساکنان آنها سعی
می‌کنند. روی حادثه‌های عمومی و مردمگ شهرها بستن بار سببی
می‌کنند. و صریحاً موعظی نه پایگاهها و مردوزان دشمن وارد می‌کند
اس مطبات نجات‌بخش. برین معانی دایره‌های رژیم ابداعه و
روحه مردم را در برابر عراقی خوب کرده است.

حرب ما در میدان مبارزه

حرب عمومی (گلوبال) عراق که صدام حسین جنبه پیش‌بینی می‌کرد که
آیا در روز سببی از سبب خواهد بود. امروز در میدان مبارزه
محکم استاده و پایگاههای خویش را بستن می‌آورد و صفوفش را
محکم می‌کند و توانایی مبارزاتی خود را ابرایش می‌نماید و پیوندهای
مبارزاتی خویش را با نیروهای سببی کشور و همه نیروهای آزادی
سخت ملی عرب و جنبه انقلابی جهان پیوند می‌کند. همچنین
در همه میدانهای سیاسی و نظامی و شکلاتی از طریق روزنامه و
و سایر وسائل اطلاعاتی به مبارزه مداوم خویش ادامه می‌دهد و
وظیفه‌اش را در مقابل خلق، خصوصاً در رابطه سببی که کشور دچار
آن است، به انجام می‌رساند. حرب بر سبب احساس مسئولیت در
مقابل خلق و سایر مبارزه آزادی‌سخت ملی سبب خویش را باجه‌بری
می‌کند و سبب همکاری با نیروهای سببی و دموکراتیک و طبسی
برصغوه می‌سازد. حرب در حالیکه در چهار جوب جنبه دموکراتیک
سببی و اتحادهای سببی دیگر است و تلاش می‌کند با اتحادهای
دوخته با سایر نیروهای سببی مخالف رژیم صدام دانسته باشد،
در همان حال به مبارزه خویش برای شکلات جنبه وسیع سببی
که همه نیروهای مبارز علیه دیکتاتوری و در راه آزادی خلق را
در برگیرد، ادامه می‌دهد. در گام حرب سازمانهای دموکراتیک
حوانات و دانش‌آوران و زبان صفوف خویش را منظم می‌کند و در
عرصه مبارزه نظام و جنگه خویش را دوباره بستن می‌آورد. آنها
روزنامه و سببهای خویش را بستن می‌کند و صدها روزنامه‌نگار و
چندین هزاره از طریق سازمان و شکلات و ارز راه ترک مگری
و سیاسی‌شان در مبارزه مداوم هستند. همراه با سخت‌نشدن سببهای
مبارزه در خاک سببی و پیوند شدن نیروهای سببی مخالف
حکومت، جنبه‌های بنیادی و هواداری از مبارزه خلق ما در برابر
سببی عربی منوع‌تر و وسیع‌تر می‌شود که آخرین آنها کسه جهانی
همکاری با خلق عراقی بود که در ۱۹۸۱/۱۵ در با سبب شکلات